

## Consequences and Obstacles of Achieving the Virtue of Sincerity From the Point of View of Allameh Mohammad Taghi Jafari

### ARTICLE INFO

#### Article Type

Research Article

#### Authors

Ali Bahrami Farsani<sup>1</sup>  
Mohammad Reza Shamshiri<sup>2\*</sup>  
Zohreh Seadatmand<sup>3</sup>

#### How to cite this article

Ali Bahrami Farsani, Mohammad Reza Shamshiri, Zohreh Seadatmand. Consequences and Obstacles of Achieving the Virtue of Sincerity From the Point of View of Allameh Mohammad Taghi Jafari. *Islamic Life Style*. 2022; 6(3):19-28

1. PhD student, Department of Philosophy of Education, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Philosophy, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran (corresponding author).

3. Associate Professor, Curriculum Department, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran.

#### \* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: mo\_shamshiri@yahoo.com

#### Article History

Received: 2021/11/16

Accepted: 2021/12/18

### ABSTRACT

One of the most important factors of the desire and attraction towards sincerity is to know its features and characteristics and also to remove the obstacles that can hinder the way to reach this great moral virtue. And what greater and more magnificent virtue can be counted than sincerity, which Amirul Momineen (AS) mentions as the perfection of monotheism. And unfortunately, today we are not paying attention to this valuable virtue in its deep and valuable meaning. Sincerity at its highest level, which Allameh Mohammad Taqi Jafari refers to as a valuable sincerity, and the cause of very valuable consequences that make the highest moral talents of man flourish and actualize, and will be the source of works and blessings in man's existence that will lead him to Reasonable life guides and its effects can be crystallized in the direction of the elevation of man in all the moral aspects of life. Examining the consequences and positive and constructive effects that grow man in the path of creation and elevation of human personality and enriches the essence of human excellence. . The general purpose of this research is to express the views of Allameh Mohammad Taqi Jafari regarding the effects and consequences that will arise in the case of the growth of sincerity in human beings, as well as the factors that, from Allameh Jafari's point of view, can prevent the achievement of sincerity. The qualitative approach and its result show the most important and general consequences of the moral virtue of sincerity, as well as the most important obstacles to achieving it in the thought of Allameh Mohammad Taghi Jafari.

**Keywords:** Sincerity, Intention, Obstacles, Consequences, Mohammad Taghi Jafari

## پیامدها و موانع دستیابی به فضیلت اخلاص از دیدگاه علامه محمدتقی جعفری

علی بهرامی فارسانی<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

محمد رضا شمشیری<sup>۲\*</sup>

استادیار، گروه فلسفه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

زهره سعادت‌مند<sup>۳</sup>

دانشیار، گروه برنامه درسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

### چکیده

یکی از مهمترین عوامل رغبت و کشش به سمت اخلاص دانستن ویژگی‌ها و خصوصیات آن و همچنین برطرف نمودن موانعی است که می‌تواند در مسیر رسیدن به این فضیلت بزرگ اخلاقی مانع شود. وجه فضیلتی بزرگتر و باعظمت‌تر از اخلاص میتوان برشمرد که امیرالمومنین (ع) از آن به عنوان کمال توحید یاد می‌کند. و متأسفانه امروزه به این فضیلت با ارزش در معنای عمیق و ارزشمند آن بی‌توجه ایم. اخلاص در سطح والای آن که علامه محمدتقی جعفری از آن به عنوان اخلاص ارزشی یاد میکند و عامل پیامدهای بسیار ارزشمند که عالی‌ترین استعدادهای اخلاقی انسان را شکوفا و به فعلیت میرساند و منشا آثار و برکاتی در وجود انسان خواهد شد که او را به سوی حیات معقول رهنمون میسازد و آثار آن می‌تواند در جهت اعتلای انسان در تمام شئون اخلاقی زندگی متبلور باشد. بررسی پیامدها و آثار مثبت و سازنده‌ای که انسان را در مسیر سازندگی و اعتلای شخصیت انسانی رشد میدهد و جوهر اعلائی انسانی را بارور می‌سازد. هدف کلی این پژوهش بیان دیدگاه علامه محمدتقی جعفری نسبت به آثار و پیامدهایی که در صورت رشد اخلاص ارزشی در انسان بوجود خواهد آمد و نیز عواملی که از دیدگاه علامه جعفری می‌تواند مانع دستیابی به اخلاص شود را مورد توجه قرار داده است. این پژوهش با رویکرد کیفی و نتیجه آن بیانگر مهمترین و کلی‌ترین پیامدهای فضیلت اخلاقی اخلاص و نیز مهمترین موانع دستیابی به آن در اندیشه علامه محمدتقی جعفری می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: اخلاص، نیت، موانع، پیامد، محمدتقی جعفری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۷

\*نویسنده مسئول: mo\_shamshiri@yahoo.com

### مقدمه

واژه اخلاص، مصدر باب افعال از ریشه خلوص و خلاص به معنای پاک شدن و سالم گشتن از آمیختگی است (۱) خالص کالایی را گویند که با چیزی ممزوج و مخلوط نباشد و معنایی نزدیک به "صافی" دارد با این تفاوت که صافی به جنسی که از همان ابتدا با چیزی آمیخته نبوده اطلاق می‌شود، ولی خالص، جنسی است که پس از امتزاج با چیز دیگر، خواه پستتر باشد یا نه، پاک، و ناخالصی آن زوده می‌شود (۲) لغویان برای خلوص، معنای دیگری نیز برشمرده‌اند، مانند رسیدن، نجات یافتن، کناره‌گیری کردن از دیگران و ویژه خود گردانیدن که در هر یک از این معانی، به نوعی معنای اصلی این ریشه یا لوازم آن وجود دارد اخلاص به معنای خالص کردن، پاک گردانیدن و برگزیدن است (۱) و مقصود آن در فرهنگ اسلامی، پاک کردن نیت از غیر خدا است. حال به اجمال به تبیین معنی و مفهوم اخلاص در آثار علامه محمدتقی جعفری می‌پردازیم:

از دیدگاه علامه جعفری اخلاص عالیترین کیفیت رابطه میان انسان و حقیقتی که مطلوب ذاتی تلقی شده است. از کلماتی که بسیار شایع و متداول در فرهنگ حقیقت‌جویی و حقیقت‌یابی اقوام و ملل مخصوصاً در فرهنگ اسلامی است، کلمه بسیار با شکوه و با عظمت صدق و اخلاص است که با هر لفظ و علامتی به یک شخص یا یک گروه نسبت داده شود، به عنوان ارزنده‌ترین و انسانی‌ترین صفت برای شخص یا گروه تلقی می‌شود. هر کسی کم و بیش با این پدیده روانی‌آشنایی دارد که با صمیمیت و علاقه ناب، حقیقتی را که مطلوب ذاتی خود میداند، در مقابل حقایقی که ذات آنها را مطلوب نمیداند، علایق او به آن حقایق معلول وسیله بودن آنها برای هدف‌ها و آرمان‌های سود آور و لذت بخش است که مطلوب اوست.

- اقسام اخلاص از دیدگاه علامه محمدتقی جعفری:

مفهوم کلی اخلاص به دو قسم مهم تقسیم می‌گردد.

- اخلاص در معنی عام:

اخلاص به معنای عام عبارت است از مطلوب ذاتی تلقی شدن یک حقیقت اعم از آنکه در منتقه ارزشها بوده باشد یا نه. مانند مطلوب ذاتی تلقی شدن مقام و ثروت و شهرت اجتماعی و قدرت و نژاد و حتی علم و آزادی که مطلوبیت ذاتی آنها جز به سود خودخواهی به چیز دیگری تمام نمی‌شود. اخلاص باین معنی عام نمی‌تواند داخل منطقه ارزش‌ها گشته و عامل رشد و اعتلای شخصیت انسانی گردد - اخلاص در معنی خاص (ارزشی)

اخلاص به معنای خاص است که میتوان آن را اخلاص ارزشی نامید. این اخلاص عبارت است از مطلوب ذاتی تلقی شدن حقیقتی که با وصول به آن یا برقرار کردن رابطه با آن، عالی‌ترین استعداد انسانی به فعلیت می‌رسد و جوهر اعلائی انسانی را بارور می‌سازد. تفاوت میان اخلاص در معنی عام و اخلاص در معنی خاص (ارزشی) تفاوت میان این دو قسم اخلاص درست مانند تفاوت میان عشق مجازی و عشق حقیقی است، زیرا اخلاص با نظر به معنای عام بزرگترین معلول یا نتیجه عشق است که همه سطوح روانی آدمی را از اشتیاق برای وصول به معشوق اشغال می‌نماید و این معنا در هر دو قسم از اخلاص وجود دارد، ولی تفاوت بسیار مهمی میان دو

۱- موضوع مورد مطالعه از قبل تعیین می‌گردد که می‌تواند لغات، جملات، عناوین اصلی مقالات و موارد مشابه آن باشد.

۲- بیان یک چارچوب که تئوری پژوهش بر آن مبتنی است. با توجه به تئوری موجود فرضیه‌ها و متغیرهای مرتبط با مفاهیم مشخص می‌گردد و با استفاده از روش مناسب برای متغیرهای مورد نظر و با اهدافی که با آن مترتب می‌باشد، به تحلیل داده‌ها پرداخته می‌شود.

۳- در نظر گرفتن وسیله‌ای برای اندازه‌گیری متغیرها به عنوان مثال، تهیه فهرستی از واژگان کلیدی به قصد شمارش آن و به دست آوردن معانی‌ای که در آن واژگان قصد گردیده است.

۴- تهیه و تنظیم ابزار جمع‌آوری اطلاعات، با توجه به موضوعی که قرار است پژوهش در آن انجام گیرد.

۵- جمع‌آوری اطلاعات مربوط به طرح پژوهش، با در نظر گرفتن زمان مشخص و مکانی که قرار است عملیات در آن انجام گیرد. در ضمن لازم است به جمع‌آوری متن‌ها یا واژه‌هایی پرداخته شود که به طور عموم در مسئله‌ی مورد پژوهش کاربرد داشته باشد. پس از انجام مراحل فوق‌العاده‌های جمع‌آوری شده، به دسته‌های مختلف طبقه‌بندی می‌گردند.

۶- پژوهشگر پس از جمع‌آوری اطلاعات، به تجزیه و تحلیل آن دسته از داده‌هایی می‌پردازد که با فرضیه تحقیق مرتبط می‌باشد تا بتواند نتایج مورد نظر را بدست آورد.

لذا تحلیل محتوا روشی است برای تحلیل داده‌های فنی و در مورد محصولات رسانه‌ای تا مصاحبه‌ای کاربرد دارد یکی از ویژگی‌های برجسته این روش استفاده از مقوله‌هایی است که غالباً از الگوهای نظری اخذ شده‌اند و روی داده‌ها اعمال می‌شوند. قلب تحلیل محتوا نظام مقوله‌بندی آن است. تحلیل محتوا به منزله تکنیکی علمی عمدتاً در قرن بیستم رایج شد. تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متن از طریق فرایند‌های طبقه‌بندی نظام مند رمزبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست.

فیلیپ مایرینگ نیز این روش را فرایند تحلیل کنترل شده، روشمند و تجربی متون در بافت خاص خودشان می‌داند که قدم به قدم به شکل‌گیری یک مدل نظری نزدیک می‌شود بنابراین در این پژوهش از مدل تربیتی مایرینگ در تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. در این مدل سه مرحله متمایز تحلیلی است که عبارت است از خلاصه‌سازی - توصیف و تشریح - ساختاربخشی یا پیکربندی روش تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش، کدگذاری موضوعی و با استفاده از نظام مقوله‌بندی استقرایی بوده بدین معنی که داده‌های مورد مطالعه به تدریج خلاصه‌ها تا در نهایت به اصلی‌ترین مفهوم مرتبط با موضوع برسد. لذا در تحقیق محتوای استقرایی محقق از به کارگیری طبقات از قبل تعیین شده اجتناب نموده و در عوض اجازه داده می‌شود که طبقات و نام آنها از درون داده‌ها برآیند. این روش یک روش مناسب مطالعاتی است که به مقایسه گروه‌ها درباره یک موضوع خاص می‌پردازد و هدف از آن تشریح تفاوت‌ها و شباهت‌ها میان گروه‌های مذکور است. بدین صورت که ابتدا اطلاعات جمع‌آوری شده با توجه به اهداف و سوالات ویژه طبقه‌بندی و کدگذاری شده و کد واژه‌های مرتبط به هم دوباره

نوع اخلاص که در حقیقت دو نتیجه عشق مجازی و عشق حقیقی می‌باشند، وجود دارد زیرا اخلاص در معنای عام متعلق به حقیقتی است که عامل تقویت و اشباع و تورم خود طبیعی است، مانند ثروت و مقام و انواع قدرت‌ها و لذایذ طبیعی در صورتی که حقیقت مورد اخلاص در اخلاص بمعنای خاص ارزشی حقایق فوق‌عامل اشباع‌کننده خود طبیعی و تورم‌دهنده آن می‌باشد و نیز همه خصلت‌ها و صفات عالی‌انسانی از نتایج اخلاص ارزشی می‌باشد. اخلاص در معنای عام آدمی را در بن بست لذت‌بار و مخلوط با نگرانی‌ها و اندوه‌های عمیقی که معلول از دست رفتن امتیازات عالی‌انسانی است، قرار می‌دهد مانند عشق مجازی که بقول مولوی عاشق را در صندوق کوچک موجودیت معشوق زندانی مینماید و همه مشاعر و عوامل درک و آگاهی‌ها و خواسته‌های معقول آدمی را با تمام بی‌اعتنایی مختل و ویران می‌سازد. در صورتی که عشق حقیقی همه قوا و فعالیت‌های مغزی و روانی انسان را قوی‌تر و هماهنگ‌تر می‌نماید. بهمین جهت است که انسان‌های موفق به اخلاص در حقایق عالی‌انسانی مانند عدالت و علم از آن جهت که نشان‌دهنده واقعیات است و آزادی که آدمی را می‌تواند به مرحله‌های عالی‌انسان (گرایش به خیرات و کمالات و انتخاب آنها) برساند، از بهترین صفات انسانی مانند مالکیت بر خود و گذشت از خواسته‌ها و پدیده‌های حیوانی و وفا و صدق و نجابت و طهارت درونی برخوردار می‌باشد. (جعفری، جلد ۱۰ ص ۳۱۸۳)

#### مواد و روش‌ها

در این فصل برای شناسایی پیامدهای اخلاص در آثار علامه محمدتقی جعفری و همچنین تبیین موانع دستیابی به فضیلت اخلاص با نظر به ارزشمندترین نوع اخلاص یعنی اخلاص در معنی ارزشی از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است.

تحلیل محتوا از کاربردی‌ترین روش‌های پژوهشی در علوم انسانی، اجتماعی و رفتاری است. در این روش برای توصیف عینی، منظم و کمی محتوای ارتباطات، برای تفسیر و پی‌بردن به نگرش درونی به کار برده می‌شود و در صدد است با شناخت چرایی، اهداف و سبک‌های ارائه پیام، نظر یا عقیده‌ای خاص را، که محور اصلی هر نوشته یا اثری است، با استفاده از مدل‌های عملکردی ارتباط توصیف و بیان کند به اعتقاد باردن، تحلیل محتوا فنی است که توصیف‌های ذهنی و تخمینی را تطفیف و تصفیه می‌کند و ماهیت و قدرت نسبی محرک‌هایی را که به شخص داده می‌شود به صورت عینی آشکار می‌سازد.

تحلیل محتوای کیفی در جایی که تحلیل کمی به محدودیت‌هایی میرسد، نمود می‌یابد. تحلیل محتوای کیفی به فراسویی از کلمات یا محتوای عینی متون می‌رود و تم‌ها یا الگوهای را که آشکار یا پنهان هستند به صورت محتوای آشکار می‌آزماید.

پس تحلیل محتوای کیفی به محققان اجازه می‌دهد که اصالت و حقیقت داده‌ها را به گونه‌ی ذهنی، ولی با روش علمی تفسیر کنند. عینیت نتایج، به وسیله وجود یک فرایند کدبندی نظام‌مند تضمین می‌شود لذا فرایند کلی عملیات تحلیل محتوا به این صورت می‌باشد:

طبقه بندی و میان آنها ارتباط مفهومی برقرار گردد. که در نهایت به مفاهیم کلیدی که همان مفاهیم، عناصر و مولفه های اساسی است دسترسی به عمل آید که شامل ۳ مرحله

۱. کدگذاری باز: در کدگذاری باز محقق قصد دارد تا داده ها را در قالب مفاهیم درآورد، لذا در این مرحله ابتدا داده ها از هم مجزا می شوند. عبارات را بر اساس واحد های معنایی دسته بندی می شوند تا مفاهیم به آنها ضمیمه شوند. بنابراین عبارات مهم مرتبط با سوالات تحقیق استخراج گردید و در جدول قرار گرفت بعد مفاهیم جزئی را از بین آن ها بیرون آورده و کدگذاری گردید و بعد از این کدها در داده ها دسته بندی شدند که انتزاعی تر از کدهای مرحله اول بودند.

۲. کدگذاری محوری: در این مرحله از بین مقوله های به دست آمده از کدگذاری باز، مقوله هایی برای مرحله بعدی انتخاب شدند و مفاهیم مشترک در یک دسته قرار گرفتند زیرا کدگذاری محوری مرتبط نمودن مقوله های اصلی تر را شامل می شود و در واقع یک فرآیند پیچیده تفکر استقرایی و قیاسی است و کدگذاری محوری نیز مانند کدگذاری باز از طریق مقایسه و طرح پرسش انجام می شود.

۳. کدگذاری گزینشی: در کدگذاری گزینشی، کدگذاری محوری در سطح انتزاعی تر ادامه پیدا کرد و به هر دسته یک برجسب زده شد.

حال به پیامد های اخلاص از دیدگاه علامه میپردازیم.

اخلاص سازنده ترین و نیرومند ترین عامل مالکیت بر خود

اخلاص ارزشی چنان که گفتیم مانند خود عشق حقیقی سازنده ترین و نیرومند ترین عامل مالکیت بر خود است که بزرگترین آرمان یک انسان کمال جو می باشد. هیچ پدیده روحی مانند اخلاص ارزشی نمی تواند زندگی پر فراز و نشیب و پر اضطراب آدمی را تنظیم و موجب آرامش خاطر بوده باشد علت به وجود آمدن آرامش خاطر به وسیله اخلاص ارزشی این است که روح انسان مخلص هنگامی که به حقیقت والایی اخلاص می ورزد در حقیقت گم شده خود را دریافته و خود را در مسیر هدف اعلاای زندگی می بیند، دیگر تاریکی برای او وجود ندارد، به هر سو می نگرد روشنایی ها را می بیند.

نتایج و آثار وحدت شخصیت انسان مخلص است که این وحدت با پیشرفت تدریجی در مسیر وصول به هدف حیات معقول وابسته به حیات آفرین متشکل تر و هماهنگ تر گشته، شخصیت انسانی در توحید جانش توحید خداوندی را در میابد و بمقام اعلاای اخلاص میرسد

اخلاص به معنی حقیقی آن چنان صفا و روشنایی درونی می آورد که آدمی هر گونه درد و نقص خود را بخوبی میفهمد و آن درد و نقص را بر خویش نمیپوشاند و در نتیجه دواي آنرا هم که خدا در درونش به ودیعت نهاده در میابد و درد خود را معالجه مینماید. اگر امروزه میبینیم که اختلالات و انحرافات و بیماری های روانی گوناگون اغلب جوامع بشری را فرا گرفته که شایع ترین آنها بیماری از خود بیگانگی است، یک پدیده جبری است که معلول ناآگاهی مردم از درد ها و دواهای درونی خودشان می باشد.

تنظیم زندگی پر اضطراب و آرامش خاطر

انسانی که از اخلاص برخوردار است، هرگز گره و پیچیدگی در حیات او بوجود نمی آید و هرگز به بن بست نمیرسد و زندگانی برای او مانند بار سنگین بر دوشش شکنجه نمی دهد و ابزار اقویا و قدرت پرستان قرار نمیگیرد تا بدلیخواه خود زنجیر به گردن او ببندند. دلیل این مساله روشن است، زیرا انسان مخلص با شناخت و دریافت هدف اعلاای حیات، بر مبنای اصول و قواعدی حرکت می کند که حتی خطا و اشتباه در تطبیق آنها به شئون زندگی، حیات او را مختل و پیچیده نمی سازد. زیرا او با هدفگیری آگاهانه و نیت پاک و خالص در حیات معقول گام بر میدارد و برگشت از اشتباه و خطا برای او هیچ ناراحتی تولید نمیکند، زیرا او نیست که مرتکب خطا در اندیشه یا عمل یا گفتار گشته بلکه عوارض جبری جهل و ناتوانی هایی که قدرت برطرف کردن آنها را نداشته است موجب ارتکاب اشتباه و خطا گشته اند.

این اخلاص محض است که الف. نورانی بسیار عالی در درون شخص روزه دار به وجود میآورد. ب. این اخلاص نشاط فوق وصف مخصوصا در موقع افطار در درون آدمی ایجاد میکند که با هیچ نشاطی قابل مقایسه نمی باشد.

به قول بعضی از انسان شناسان: آن معجزه ای که به دست انسان بایستی انجام بگیرد، بوجود خواهد آمد این معجزه عبارت است از بالا رفتن کمال جویی مردم حتی در قلمرو اقتصاد که با کمال اختیار تولید را زیادتیر و بهتر خواهد کرد و توضیح را به صورت عادلانه انجام خواهد داد، مصرف بیهوده و غیر مفید و مضر بر جسم از بین خواهد رفت و برای تولید و توزیع نیازهای منطقی و واقعی ملاک قرار خواهد گرفت و استعداد ها واقعا به کار خواهد افتاد. با این اصلاحات واقعی است که بشر آشیانه خود را که روی زمین است از عرصه تخت و تاز و حق کشی ها به بهشت دنیوی قابل آرامش و سکونت مبدل خواهد ساخت و نوبت سیر و سیاحت و بهره برداری خردمندانه از دیگر کرات خواهد رسید

هیچ مشکلی در زندگی وی و شئون آن، پیش نخواهد آمد، نه اینکه معما ها و مشکلات برای انسان های مخلص قابل حل و فصل میباشد، بلکه اصلا پس از حرکت جوهر روح رو به الله، همه آن پیچیدگی ها و مشکلات و اضطرابات و معماها از اصل منتفی خواهد گشت مسلم است که چنین اعتقاد و انجذاب مخلصانه استقامت را بدنبال خود به عنوان یک نتیجه قطعی به وجود خواهد آورد، دیگر هوای نفس برای چنین انسانی معبود نخواهد گشت و تاریکی ها مبدل به روشنایی ها خواهد شد و موجودیت او وجه المصالحه و یا ابزار کار اربابان تنازع در بقا نخواهد بود

توضیح اینکه کسی که به درجه عالی مخلصین نائل میگردد، چنانکه از فریبکاری شیطان درونی (نفس اماره و غرایز سرکش حیوانی) رها شده است، همچنین از اغواها و حيله گری ها شیطان برونی که ابلیس است، آزاد شده است، زیرا آدمی با وصول به مرتبه مخلصین دارای آن قدرت ربانی میگردد که مالکیت بر خود را به دست می آورد و آن را از دستبرد هر دو شیطان در امان نگه میدارد. امتیازی که در این آیه به مخلصین داده شده است، رزق معلوم است که مافوق پاداش معمولی است.

این جمله مانند تهدید است که امیرالمومنین (ع) متوجه آن مردم می کند و می گوید: وظایف دینی من ایجاب می کند رفتار من با شما مانند رفتار مسلمانان بوده و با شما جنگ و پیکار نکنم و خشونت براه نیندازم. حقیقت مرا از شما پوشانده است ولی من با اخلاص و صدق نیتی که دارم درون شما را کاملاً می دانم.

که اخلاص به معنی حقیقی آن چنان صفا و روشنایی درونی می آورد که آدمی هر گونه درد و نقص خود را بخوبی میفهمد و آن درد و نقص را بر خویشتن نمیپوشاند و در نتیجه دوی آنرا هم که خدا در درونش به ودیعت نهاده در میابد و درد خود را معالجه مینماید. اگر امروزه میبینیم که اختلالات و انحرافات و بیماری های روانی گوناگون اغلب جوامع بشری را فرا گرفته که شایع ترین آنها بیماری از خود بیگانگی است، یک پدیده جبری است که معلول ناآگاهی مردم از درد ها و دواهای درونی خودشان می باشد. کشف رازی ناچیز از طبیعت و مشاهده نتیجه سودمند آن، کاروان های از عشاق علم و معرفت را به حرکت درآورده است. رفتار عادلانه و نیت پاک و روحیه اخلاص و صمیمی انسان های رشد یافته انسان هایی را کاروان در کاروان حرکت داده و آنان را با جدی ترین قیافه و ملکوتی ترین چهره برای تفسیر حکمت هستی براه انداخته اند.

این قاعده یعنی تقوی که اخلاص رکن اساسی آن است، موجب بوجود آمدن نور و عامل جدایی حق از باطل میگردد، از مهمترین دلائل آن مسئله است که میگوید: بذر های معرفت حق و باطل و استعداد تفکیک آن دو از یکدیگر در درون آدمی کاشته شده است.

قرار گرفتن در جاذبه جمال و جلال ربوبی

این درجه اعلای کمال است که اخلاص را در ذات آدمی شکوفا می سازد، زیرا در این درجه از کمال است که انسان قدم بر روی همه خواسته ها، ر امتیازات و لذاذ می نهد و در جاذبه جمال و جلال ربوبی قرار میگیرد. (۴)

کو آن اخلاص شدید که مسلمین را در راه حقیقت از همه علایق و روابط حیات با طبیعت و انسان قطع نموده علایق و روابط فطری و عقلانی سالم را جانشین آنها بسازد؟ کجاست آن همه کوشش و تلاش فوق تصور که مسلمانان را پارسایان شب زنده دار و شیران نیرومند روز نموده و شرق و غرب دنیا را مانند آشیانه های که با دست خود ساخته بودند نموده بود

ذکر خداوندی باید مانند عامل به فعلیت رساننده روح ملکوتی آدمی تلقی شود، نه عامل آرایش محض روان که موجب تسلیت در برابر جهالت ها و نابخاری ها بوده باشد. آری ذکر حقیقی عامل به فعلیت رساننده روح ملکوتی است نه منتفی کننده ملامت یکنواختی زندگی و نادیده گرفتن اضطراب ها و اضطراب هایی که در هنگام تزلزل دیوار زندگی و محرومیت از خواسته ها پیش می آید. خداوند سبحان مطابق وعده هاییکه در این آیه داده است: وَالَّذِينَ جَاهِدُوا فِينَا لِنَهْدِيَهُمْ سَبِيلَنَا؛ آنان که در راه ما مجاهدت میورزند ما آنها را به راه های خود هدایت میکنیم (عنکبوت، آیه ۶۹)

بنابراین قاعده و سنت است که امیرالمومنین میفرماید: آنکس که به خداوند سبحان اخلاص میورزد، خداوند هم او را در وصول به

حرکت در مسیر هدف اعلا

اخلاص موجب تمرکز قوای مغزی و روانی در حقیقت مطلوب ذاتی گشته، مغز و روان را از تلاطم و پراکندگی تفکرات و هجوم تخیلات بی اساس و وسوسه هایی که روح را می خراشد محفوظ و مصون میدارد. گمان نرود که این تمرکز قوای مغزی و روانی موجب رکود و توقف مغز و فعالیت های روانی گشته، و انسان مخلص را در یک حقیقت محدود که مطلوب ذاتی جلوه کرده است، از حرکت و تحولات تکاملی باز می دارد زیرا با عظمت ترین اخلاص ارزشی که تکیه گاه و مستند سایر اخلاص های ارزشی و اصالت آنها میباشد عبارت است از اخلاص به کمال برین الله کسبیکه موفق به خودسازی شده است و به خدا اخلاص می ورزد و خداوند نیز درجات اخلاص او را بالا میبرد (۳)

آیات مربوط به کسانی که بمقام مخلصین رسیده اند، در قرآن در موارد متعدد آمده است از آنجمله: وَلَاغْوِينَهِمْ اِجْمَعِينَ الا عِبَادَکَ مِنْهُمْ الْمَخْلَصِينَ؛ و شیطان گفت من همه فرزندان آدم را فریب میدهم مگر بندگانی از تو که به مقام مخلصین رسیده اند (الحجر، آیه ۳۹ و ۴۰)

اخلاص شدید کسانی بود که به پیامبر اعظم ایمان آورده و او را به عنوان نماینده واقعی خدا بر روی زمین پذیرفته بودند. این اخلاص بحدی موجب رشد مسلمانان گشته بود که آنان از هر چیزی در دنیا صرف نظر نموده، جز مشیت خداوندی را که استقرار دین الهی در روی زمین بود نمی خواستند. لذا روابط خویشاوندی و دیگر پیوستگی هایی که مردم مسلمان با یکدیگر داشتند، دگرگون گشته و در پرتو یک نظام الهی در مسیر دین فطرت قرار گرفتند. ملاک زشتی ها و زیبایی ها و نیکی ها و بدی ها و دوستی ها و دشمنی ها ف مفاهیم جاهلی خود را از دست داده و بر حقایقی تکیه کرد که اشباع کننده هر دو بعد مادی و معنوی انسان ها گشت.

که تنها انسان مخلص است که میتواند از قیود و علایق زنجیری که هر حلقه ای از آنها بازدارنده روح از حرکت در مسیر حیات معقول میباشد به آزادی برسد

این نام نورانی (قرآن) هرگاه با اخلاص و جدیت مورد توجه قرار بگیرد، گوشه هایی از راز های الوهیت آمیز خویش را بر ملا نموده و دروازه های فراخ رشد و سازندگی را پیش روی بشر قرار میدهد.

تمرکز قوای روانی و مغزی

اخلاص موجب تمرکز قوای مغزی و روانی در حقیقت مطلوب ذاتی گشته، مغز و روان را از تلاطم و پراکندگی تفکرات و هجوم تخیلات بی اساس و وسوسه هایی که روح را می خراشد محفوظ و مصون میدارد. گمان نرود که این تمرکز قوای مغزی و روانی موجب رکود و توقف مغز و فعالیت های روانی گشته، و انسان مخلص را در یک حقیقت محدود که مطلوب ذاتی جلوه کرده است، از حرکت و تحولات تکاملی باز می دارد زیرا با عظمت ترین اخلاص ارزشی که تکیه گاه و مستند سایر اخلاص های ارزشی و اصالت آنها میباشد عبارت است از اخلاص به کمال برین الله. و چون مطلوب ذاتی بودن این حقیقت اعلا مستلزم دریافت صفات و اسما مقدس اوست و اینکه بزرگترین فعال ما یشا و ما یرید اوست و هر لحظه در حال افاضه به جهان هستی است

یکی از اساسی ترین خواص اخلاص ارزشی است که در آن هنگام که حقیقت مطلوب ذاتی چهره واقعی خود را نشان داده و جوهر ناب روح را در جاذبه خود قرار میدهد، نه این که گوشش صداهای مخالف را نمیشنود و چشمش مناظر ناشایست را نمی بیند و نه اینکه رویارویی ستیزه گران با حق و حقیقت قرار نمی گیرد، بلکه اگر توانست صداهای مخالف را خاموش و مناظر ناشایست را از جلو دیدگانش محو و نابود و ستیزه گران با حق و حقیقت را از ریشه و بنیاد برمیکنند و اگر نتوانست بدون کمترین اعتنا و بدون اندک تاثیر از آنها به راه خود ادامه میدهد

یکی از اساسی ترین خواص اخلاص ارزشی است که در آن هنگام که حقیقت مطلوب ذاتی چهره واقعی خود را نشان داده و جوهر ناب روح را در جاذبه خود قرار میدهد، نه این که گوشش صداهای مخالف را نمیشنود و چشمش مناظر ناشایست را نمی بیند و نه اینکه رویارویی ستیزه گران با حق و حقیقت قرار نمی گیرد، بلکه اگر توانست صداهای مخالف را خاموش و مناظر ناشایست را از جلو دیدگانش محو و نابود و ستیزه گران با حق و حقیقت را از ریشه و بنیاد برمیکنند و اگر نتوانست بدون کمترین اعتنا و بدون اندک تاثیر از آنها به راه خود ادامه میدهد

و اخلاص و عشق بی پایان او به توحید و حق و عدالت است که مافوق امتداد زمان و محدودیت نمود های حیات آن حضرت بوده است و از همین مطلب عظمت روح پیامبر و ارواح انسان های رشد یافته بخوبی روشن میشود که این عظمت بقدری است که میتواند شایسته فیض بیکران الهی بوده باشد.

مجتهدی که با کمال اخلاص و تلاش نهایی در ادله فقهی، فتوی یا حکمی صادر نماید، نه تنها در صورت بروز خطا گنه کار محسوب نمی گردد، بلکه چه خطایی بروز نماید و چه خطایی بروز ننماید، مجتهد در نزد خدا مستحق پاداش نیکو است اگر در این مسیر حرکت کنند و با اخلاص و با هدف خوب باشند، میتوانند به نتایج عالی برسند (۵)

ترک امیال نفسانی و آغاز توفیقات الهی اینگونه طرح شدن معلوم و موضوع تفکر همراه با آن روشنایی درونی است که انسان عالم به وسیله معرفت و اخلاص واقعی به دست می آورد. این است معنی آن حدیث معروف از امام صادق (ع) که میفرماید: علم نوری است که خداوند در دل کسانی از بندگانش می تاباند که بخواهد (۴).

یک ذره ز کیمیای اخلاص / گر بر مس من زنی شوم خاص (نظامی) (۴).

نظامی میگوید اگر بر دو بال فرشته معرفت و اخلاص بنشیند و برای وصول به آن کمال که اشتیاق وصول به آن در اعماق همه جان های پاک آدمیان شعله ور است به سوی گنج بیکران حکمت و رحمت الهی به پرواز در آید، کلید در آن گنج نامتناهی را که نام پاک خداوند است، روی آن خواهی یافت (۴).

در مذهب تشیع همه احکامی که پیامبر (ص) بیان فرموده اند، مستند به وحی است و حتی آنچه مربوط به سنت پیامبر است باز از این رو که درون آن بزرگوار از نظر صفا و اخلاص به عالیترین حد

درجات عالی اخلاص موفق میفرماید. تفسیر جمله پنجم امیرالمومنین علیه السلام در این جمله حقیقت شهادت و شهادت حقیقی را بیان میدارد و میگوید: شهادتی که به پروردگار یگانه میدهم که اخلاصش آزمایش شده است. یعنی این یک شهادت حرفه ای و اعتیادی نیست این شهادت برای اینکه من عضوی از جامعه اسلامی محسوب شوم نیست، این شهادت برای بوجود آوردن لذایذ روانی نیست، بلکه شهادتی است که از جوهر ناب جان برآمده و بدون اندک آلودگی با خواسته ها و عوارض ناشی از خودپروری و خود محوری متوجه مقام ربوبی میگردد چنین شهادتی در حد اعلائی اخلاص است که قل الله ثم ذرهم: بگو خدا، سپس همه راهها کن (الانعام، آیه ۹۱) این است عالیترین درجات اخلاص که اخلاص مطلق و اخلاص صدیقین نامیده میشود.

هیچ بنده ای چهل روز در عمل اخلاص نمبورزد مگر اینکه چشمه های حکمت از قلبش به زبانش جاری میگردد. توضیح این مضمون چنین است، که یکی از مختصات فوق الادیه سازنده و با ارزش اخلاص این است که هر چه دوام و استمرار پیدا کند، قلب آدمی نورانی تر و به شناخت اصول بنیادین هستی و حیات معقول موفق تر میگردد. البته چهل روز که یک عدد خاص و در گذرگاه گردیدن از ارزش مخصوصی برخوردار است، برای بروز اثر اخلاص مطرح شده است و معلوم است که هر چه بیشتر دوام و استمرار پیدا کند به همان مقدار قلب انسان بیشتر آماده پذیرش عنایت خداوندی میگردد، چنانکه اگر کمتر از چهل روز باشد و لو یک روز هم باشد اثر خود را خواهد بخشید.

شما هم اکنون جان را که امانت الهی است، بر کف اخلاص گرفته و میگویید: بار پروردگارا، اگر زمان استرداد امانت تو فرا رسیده است، این جان ما، این خون ما، این سر ما، این پیکر ما، و اگر موقع ارجاع امانت نرسیده است، باقی عمر را نیز امانت دار و هستیم که چون مرگ رسد چرا هراسم/ کان راه به توست میشناسم حال که چنین است، وقتی که میخواهید به نماز استسقا بروید، نخست قلب خود را بررسی کنید اگر دیدید سوز و اخلاصی دارید، حتما چتر را فراموش نکنید.

عامل تلاش و کوشش عامل پیروزی در طول تاریخ انسانی -نه تاریخ حیات طبیعی محض یک دسته کاروان پرتلاشی را مبینیم که با جدترین قیافه و با صدق و اخلاص محض، بزرگترین گام ها را در تعلیم و تربیت انسان ها و دگرگون کردن جامعه رو به خیرات و کمالات برداشته اند، در حالی که معلومات و توانایی های محیط و اجتماعی که آنان در آنجا زندگی میکردند، بسیار ناچیز تر از آن هدف گیری ها و کارهایی بوده است که آنان انجام داده اند.

دقت کنید ببینید علی (ع) با چه استدلال محکمی و با چه اخلاصی عمر را ارشاد فرمود که تو برای جنگ بسوی دشمن حرکت مکن، و با توسل به اینگونه فعالیت بود که مسلمانان را پیروز فرمود، زیرا هنگامی که خداوند عزوجل اخلاص و تکاپو و عظمت روحی و گذشت مسلمانان را دید، آنان را با کمی افراد و با ناچیزی وسائل و تجهیزات بر همه دشمنان پیروز ساخت.

اگر آدمی به مرحله اخلاص و اختیار برسد خود را واقعا برای اجتماع متعهد و مسئول وجدانی و الهی ببیند از هیچ گذشت و فداکاری دریغ و مضایغه ننموده و هیچ قیمتی برای کار خود انتظار نخواهد داشت، زیرا کاری که با احساس تعهد و با اخلاص و اختیار بوجود کیاید، فوق مبادله و ارزش میباید.

او همان علی (ع) بود که بجهت نهایت اخلاص به مقام شامخ رازدانی و رازداری توفیق یافته بود، آدمی در آن مقام از دستبرد عوامل دگرگون کننده شخصیت گام فراتر میگذازد و با قول ثابت: خداوند کسانی را که ایمان آورده اند با قول ثابت در حیات دنیوی و اخروی ثابت و پا برجا میماند (ابراهیم آیه ۲۷) بهمین جهت است که علی (ع) در هر موقعیتی از زندگی که قرار میگرفت، با عامل شخصیت ثابت رو به یک مطلق فوق حرکت و سکون و دگرگونی ها حرکت میکرد.

پیامدهای اخلاص در ارتباط با تعلیم و تربیت در طول تاریخ انسانی - نه تاریخ حیات طبیعی محض یک دسته کاروان پرتلاشی را مبینیم که با جدبترین قیافه و با صدق و اخلاص محض، بزرگترین گام ها را در تعلیم و تربیت انسان ها و دگرگون کردن جامعه رو به خیرات و کمالات برداشته اند، در حالی که معلومات و توانایی های محیط و اجتماعی که آنان در آنجا زندگی میکردند، بسیار ناچیز تر از آن هدف گیری ها و کارهایی بوده است که آنان انجام داده اند.

معلم و مربی باید اخلاص در کار داشته باشد. بفهمد و از ته دل احساس کند که نتیجه کاری که بوسیله تعلیم و تربیت درباره انسان یا انسان هایی انجام میدهد، دیر یا زود دامن خود او خواهد بود اگر هم این حقیقت را درک نکند که این جهان کوه است و فعل ما ندا/باز می آید ندا ها را صدا. و یا در جهان ابدیت که اگر کسی آن را نپذیرد، هیچ فلسفه و حکمتی برای حیات خود و این جهان هستی نمیتواند بپذیرد (حداقل اینمقدار باید بفهمد که بالاخره روزی فرا میرسد که متعلمان و موارد تربیت او و نیز سایر مردم خواهند فهمید که او معلم و مربی نبوده، بلکه سوداگری پست بوده است که تور ماهی گیری و دام صیادی خود را به شکل تعلیم و تربیت درآورده بود)

اخلاص، آن آب حیاتی که هر برگ از نهال شخصیت متعلم و تربی را مبدل به ریشه مولد میسازد. هیچ عامل محرکی برای رهروان مسیر معرفت و علم مانند اخلاص معلم و مربی نیست، نگاه های یک مخلص در تعلیم و تربیت، که روح پاک و دل مشتاق او را برای به ثمر رساندن شخصیت متعلمان و تربیت شدگان خود، نشان میدهد، نه تنها کار های او را نتیجه بخش تر میسازد، بلکه هر یک مسئله علمی و معرفتی که به متعلم خود مطرح میکند اگر چهره در ظاهر مانند برگ از نهال درون آن متعلم میروید، ولی در حقیقت همان برگ به ریشه های مولد ساقه ها و شاخه ها و شکوفه ها و میوه های بسیار مفیدی مبدل میگردد. و همچنین هر یک عامل تربیتی را که برای تربیت شدگان بوجود می آورد، آن عامل مبدل به نیرو های سازنده ای میگردد کهوی را از درون ذات به گردیدن های تکاملی وادار میسازد. باید گفت: بطور کلی فقط انسان است که میتواند انسان بسازد و بس.

خود رسیده، بنابراین هر آنچه به عنوان سنت از ایشان صادر شده است الهامات خداوندی بوده است (۶).

دنیا نمی توانست کوچکترین پاداشی برای کمترین کارهای با عظمتی باشد که امیرالمومنین (ع) در این زندگانی مابین خود و شخصیت خود، مابین خود او و خدایش مابین خود او و جهان هستی، مابین خود او و نوع انسانی انجام داده بود. آیا میتوان به مقام بالای خلوص رسید بدون اینکه همه تعلقات دنیا و امتیازات آن را از هدف بودن ساقط نمود؟ یعنی علی بن ابیطالب (ع) که برای وصول به مقام والای اخلاص، از همه مال و منال و مقام های دنیوی گذشته بود، امکان داشت که مقام اعتبار ریوی بی جان را هدف خود قرار بدهد و از آن مقام اخلاص تنزل کند؟ آری، امیری و خلافت و زمامداری نمیتواند سد راه امیرالمومنین (ع) در جاذبه کمال الهی بوده باشد.

خداوند متعال دنیا را از بندگان صالح و مردم با اخلاص برکنار نموده است، زیرا خداوند دنیا را قیمت عباد آن رشد یافته گان قرار نداده و نه همانندی برای اخلاصشان. خداوند پاداش آنها را به سرای دیگری غیر از این سرا (فانی و محدود و ناچیز) موکول فرموده است. شخصی که به مقام اخلاص رسیده است، غل و زنجیری برای او وجود ندارد و با نظر به حقیقت اخلاص معلوم میشود که منظور آن حضرت تنها رهایی از قید و زنجیر نیست که رهایی محض نامیده می شود، بلکه آن رهایی است که از آزادی عبور کرده و به مرحله اختیار که عبارت است از شکوفایی آزادی در مسیر خیر و کمال رسیده است. اگر بخواطر داشته باشیم، در یکی از جملات از امیرالمومنین درباره اخلاص این جمله را دیدیم که در بیان شهادت اینطور میگوید: شهادتی بخدا میدهم که اخلاصش آزمایش شده و از امتحان گذشته است. این اخلاص است که او را بمقام اختیار موفق ساخته و به اصطلاح عمومی امیرالمومنین به مرحله ای از آزادی (اختیار) رسیده است که توانسته است آزادی بخش به انسان ها بوده باشد.

میسازد و از درآمیختن آن واقعیات به آلودگی ها و کتافات و اوهام بی اساس جلوگیری میکند و همچنین مانع بروز آن خواسته ها و امیال حیوانی در درون آدمی می گردد که هیچ عاملی جز اندیشه ناب و با اخلاص در موقعیت حقیقی انسانی در این جهان هستی نمیتواند جلو بروز آن را بگیرد. همچنین اخلاص در گفتار و پرهیز از زبان بازی و سخن پردازی و فریبکاری مردم بوسیله کلمات چند پهلو کمک بزرگی به تنظیم قوای مغزی مینماید و نمیگذارد با الفاظ و اصطلاحات شیرین و خوشایند مغز خود و انسان ها را با مقاصد شوم و نیت های پلید پر از لجن نمود. اخلاص در عمل که روح عمل هم نامیده میشود، میتواند عامل سازنده موجودیت انسان در مسیر حیات معقول بوده باشد. این اخلاص های سه گانه چنانکه گفتیم چشمه سارهای درونی آدمی را که بنا بمفاد آیه و علم آدم الاسما کله (البقره آیه ۳۱) متصل به منابع علم خداوندی است لارویی نموده بجزیران میاندازد.

اخلاص در اندیشه و گفتار و عمل لارویی چشمه سار های درونی است که با پاک شدن آن چشمه سار ها انبوه معرفت های ناب در درون آدمی به جریان می افتد. اخلاص در اندیشه واقعیات را در آن حدود که از توانایی استعداد های انسانی برمی آید، قابل شهود

بلکه فعالیت معکوس روانی است که از توقف و در جا زدن ناشی از فرو رفتن چنگال معشوق در روح اوست بهمین جهت است که پناه بردن از شیطان بخدا همان مقدار ضرورت دارد که پناه بردن از طغیانگری های نفس اماره بخدا. پس در حقیقت این خود انسان است که باید دست خدعه و فریب شیطان را از خود کوتاه کند و مسلم است که فقط با اخلاص در عبودیت خداوندی است که وسایل حيله و نیرنگ و خدعه شیطان محو و نابود میگرددند.

#### قیود و علایق زنجیری

یک احتمال دیگر یا بعد دیگری از معنای روایت این است که تنها انسان مخلص است که میتواند از قیود و علایق زنجیری که هر حلقه ای از آنها بازدارنده روح از حرکت در مسیر حیات معقول میباشد به آزادی برسد

شما امروز در سیر نزولی حرکت میکنید و نمیدانید که نزول پس از چنان صعود تکاملی، چه عوابع وخیمی در پی خواهد داشت. شما امروز از این رویدادها و وقایع و نگرش های احمقانه ای که به زندگی دارید، خون خواهید دوشید و ندامت کشنده به دنبالش.

یکی از مهمترین شرائط حرکت در مسیر حیات معقول دوری از ریاکاری است که بدون اخلاص امکان پذیر نیست.

یکی از پست ترین کردار های آدمی، هدف گیری نابکارانه از عبادت است که توجه و بزرگداشت دیگران را درباره خود هدف قرار می دهد. این نوع کردار ها ریاکاری نامیده می شود. و اگر مقصود از عبادت شهرت به عبادت و نیک کرداری در میان مردم و کار برای آنکه توصیف نیکو و مدح او را از دیگران بشنود و به گوش خود او برسد، این رذالت هم سمعه نامیده می شود. هر دو نوع هدف گیری ناشی از خدا نشناسی و نادانی به عظمت عبادت و یا ضعف شخصیت است زیرا اگر انجام دهنده عبادت واقعا خدا را بشناسد، نه جز او کسی را می پرستد و نه پرستش او را به رخ دیگران می کشد. پرستش منحصر به ذات اوست، اخلاص روح پرستش است، ریا و سمعه نابود کننده پرستش

وقتی که برای مسجد که مانند رصدگاه برای نظاره به بینهایت و کشش به سوی آن ساخته شده است، وارد میشوید، ریا نکنید و از روی نفاق و نیرنگ خم و راست نشوید، با مغز آکنده از پندار و خیال و با درونی پر از آلودگی ها و کثافات حیوانی با خدا روبرو نشوید. این ارتباط ضروری و شریف را از روی حرفه و اعتیاد با خدا برقرار نسازید

کمترین ریا و حتی نیت غیر الهی مانند تحصیل تندرستی و غیر ذالک، هیچ راهی به آن ندارد

#### برکنار ماندن فیلسوفان شایسته

مختصات فلسفه حقیقی در اوضاع کنونی، بجهت تاثیر قوای متضاد در معرض فساد قرار گرفته است. هنگامی که انسان های شایسته به نام فیلسوف از فرا گرفتن و تعلیم فلسفه منصرف شدند، جای آنها را بی لیاقت ها و ناتوانان از درک عظمت فلسفه، می گیرند که نام فلسفه را با سفسطه ها و یاوه گویی های خود فاسد می کنند در نتیجه فلاسفه با اخلاص که در اقلیت اند از مقام سیاسی برکنار می

این یک حقیقت غیر قابل انکار است که شاید هر انسان آگاهی آن را در عمرش بارها تجربه کرده باشد، که در بعضی معلمان و مربیان در زمانی نسبتا اندک و در مقداری محدود از تعلیم و تربیت، انسان های بسیار با عظمتی را ساخته اند که در تحولات تاریخی مآثر بوده اند که با سوز دل و تشنگی شدید به کار تعلیم و تربیت پرداخته اند و در اصطلاح ادبی معمولی، آنان به متعلمان تربیت پذیران خود، موی را با اخلاص نشان داده اند، ولی آن رهروان پیچش موی را هم فهمیده اند.

هر عملی عکس العملی بدنبال دارد، باید ببینیم که اگر با کمال اخلاص دسته گلی به یک فرد یا یک اجتماع تقدیم کردیم، بدون تردید دسته گلی محسوس یا نامحسوس بما تقدیم خواهد شد. از آن هنگام که این حقیقت در تعلیم و تربیت بشری جدی تلقی شود، انقلاب بشری آغاز خواهد گشت و از آن موقع ما میتوانیم ادعا کنیم که ما از تاریخ طبیعی قدم به تاریخ انسانی گذاشته ایم.

در اینجا کمی دقت کنید و ببینید چقدر فرق است میان کسی که سوال جوینده حقیقت را آنقدر میپسچاند که بیچاره سوال کننده گیج و از رسیدن به حقیقت مایوس میشود و کسی که ناتوانی سوال کننده را درک میکند و در تحقیق و توضیح سوال میکوشد و با کمال محبت و خلوص در صدد پاسخ گویی بر میآید. حتی ممکن است سوال را تحلیل کند و همه احتمالات را متذکر شود، مثلا بگوید: احتمال می رود مقصود شما چنین باشد، اگر مقصود شما چنین است، پاسخش این است. و احتمال می رود مقصود شما چنان باشد در این صورت سوال شما خیلی پر معنی است، بنابراین باید بررسی و دقت بیشتری در سوال شما انجام داد و ها کذا... فرق است میان این دو پاسخگو همان فرق میان جاهل خودپرست و گمراه کننده و عالم با اخلاص است که حیوان تا به انسان فرق دارد فقط خدا میداند که چه حقایق با اهمیتی پیش از آن که از مغز باردار یک انسان در شکل یک سوال زاییده شود، با ضربه پاسخگوی خودپرست، سقط شده و از بین رفته است در حقایق عالم هستی و اصول بنیادین حیات، سراغ دانایان وارسته از آلودگی را بگیریم، چه بسا بدون این که شما مساله را طرح کنید، با وضع روحی و گفتار مستند به روش ماورای طبیعی شخصیتشان، مساله شما را حل و فصل نمایند

موانع دستیابی به اخلاص از دیدگاه علامه محمد تقی جعفری:

تعلق به غیر خدا

این اخلاص به هر چیزی جز خدا تعلق پیدا کند، خسارتی است که جبران پذیر نخواهد بود و همه رنج ها و تلاش ها و صرف انرژی های مغزی و روانی که در اخلاص به غیر الله صرف شود، بیهوده و بی نتیجه خواهد بود.

اوست و هر لحظه در حال افاضه به جهان هستی است، روح انسان مختص با چنین دریافتی والا، بطور دائم و مستمر در حرکت و تکاپو و تحصیل آگاهی به ابعاد متنوع در قلمرو ذات خویش و جهان برون ذاتی خواهد بود. در صورتی که انسانی که دارای این اخلاص نیست، خود را از همه قوانین هستی و بایستگی ها و شایستگی ها بی نیاز می بیند. و اگر هم خود را متحرک و پویا تلقی کند، نمی داند که این تحرک و پویایی در مسیر مثبت و سازندگی نیست،

ترین و فراگیر ترین مکتب سازنده و عامل رشد انسان ها... به قدری شیوا و گیرنده و قرین اخلاص بود که خود میتوانست عظمت و برحق بودن محتوای هدایت و ارشاد پیامبر اکرم (ص) را اثبات نماید. مختصات اخلاص ارزشی: ۱. اخلاص ارزشی بهیچ وجه با خود خواهی و خودمحوری نمیسازد زیرا تا خود طبیعی که خود خواهی و خود محوری عنصر ذاتی آن می باشد، تعدیل نگردد و به فرماندهی و مدیریت درونی خود ادامه بدهد، هیچ حقیقت عالی انسانی برای آدمی مطلوب ذاتی تلقی نخواهد شد و اگر مطلوبیتی در یک حقیقت عالی برای شخص خود محور بوجود بیاید، نوعی مطلوبیت وسیله های برای خواسته های خود طبیعی خواهد بود.

وقتی که برای مسجد که مانند رصدگاه برای نظاره به بینهایت و کشتش به سوی آن ساخته شده است، وارد میشوید، ریا نکنید و از روی نفاق و نیرنگ خم و راست نشوید، با مغز آکنده از پندار و خیال و با درونی پر از آلودگی ها و کتافات حیوانی با خدا روبرو نشوید. این ارتباط ضروری و شریف را از روی حرفه و اعتیاد با خدا برقرار نسازید

مسلم است که دعوی خداوندی از روی توحید و اخلاص حقیقی خوشایند کافر و مشرکین نخواهد بود، آنان بهایی را با دست خود تراشیده و یا انسانهایی را مورد پرستش قرار داده و آنها را شریک خدا قرار می دهند، و نمی خواهند غنای مطلق خداوندی را از هر گونه تجسم های بت پرستانه درک کنند و بپذیرند. عادات و تقالید پوسیده گذشتگان آنها را نمی گذارد جهان هستی را آنچنان که شایسته است دریابند و با آن ارتباط برقرار کنند.

#### مبتلا شدن به انواع شرک

پس برای وصول به مقام اخلاص ارزشی، نباید به هیچ نوعی از انواع شرک مبتلا گشت: شرک در مال و منال شرک به معنای بت پرستی، شرک با مقام پرستی، و شرک با خود پرستی و شهرت پرستی و غیر ذالک همچنین وصول به مقام والای اخلاص نمیتواند با به بازی گرفتن حیات انسانها سازگار بوده باشد. اخلاص ارزشی با تخریب و معیوب ساختن دیگران با این که شخصی عیب جو خود دارای آن عیب است، نیز سازشی ندارد. همچنین اخلاص ارزشی با بر هم زدن اصول و مختصات دین الهی برای رفع نیاز های خودمحوری و برای جلب سود، امکان پذیر نمیباشد. بالاخره چند رویی و چند زبانی در اجتماع که از مختصات نیرنگ بازی و حيله گری است ضد اخلاص ارزشی است، بنابراین باید گفت: وصول به مقام والای اخلاص که انسان را به کمال خود رسانده و شایسته نام انسان کامل مینماید، بدون تخلق به اخلاق الله و تادب به آداب الله امکان پذیر نمی باشد (۷).

#### گمراهی و ظلال

گروه دوم مردمی هستند که ساختمان لذایذ و کامروپها خود را بر پایه درد ها و رنج ها و کوشش های دیگران استوار ساخته، نه تنها کمترین اعتنایی به انرژی های عضلانی و مغزی و روانی تکاپوگران نخواهند نمود، بلکه متنی هم به گردن آنها مینهند که ما شما را به انسانیت پذیرفته ایم. گروه سوم: کسانی هستند که نه اختیار میفهمند و نه جبر، نه حقیقتی برای آنها مطرح است و نه باطلی این مفاهیم

گردند و گوشه گیری را بر فاسد شدن در اختلاط با مردم مقدم می دارند.

#### ضعف شخصیت

یکی از پست ترین کردار های آدمی، هدف گیری نابکارانه از عبادت است که توجه و بزرگداشت دیگران را درباره خود هدف قرار می دهد. این نوع کردار ها ریاکاری نامیده می شود. و اگر مقصود از عبادت شهرت به عبادت و نیک کرداری در میان مردم و کار برای آنکه توصیف نیکو و مدح او را از دیگران بشنود و به گوش خود او برسد، این رذالت هم سمعه نامیده می شود. هر دو نوع هدف گیری ناشی از خدا شناسی و نادانی به عظمت عبادت و یا ضعف شخصیت است زیرا اگر انجام دهنده عبادت واقعا خدا را بشناسد، نه جز او کسی را می پرستد و نه پرستش او را به رخ دیگران می کشد. پرستش منحصر به ذات اوست، اخلاص روح پرستش است، ریا و سمعه نابود کننده پرستش

#### نبودن معرفت و آگاهی

اگر ریاکار خدا را میشناخت، آن ذات اقدس را چنان حقیر تلقی نمی کرد که آن را با جلب توجه دیگران معامله نماید. اگر او واقعا معرفتی در مورد خدا خدا داشت، پر ارزش ترین و عالیترین حالت روحی خود را که عبادت است، در زیر پای دیگران تباه نمی ساخت. ای ریاکار، اگر آن فرد یا گروهی که جلب توجه آنرا هدف عبادت قرار داده ای بهره ای از خرد داشته باشد و خدا را بشتاسد و عظمت کار ترا که عبارت است از استهلاک جوهر روح، درک کند، به حماقت تو خواهد خندید و به سقوط تو خواهد گریست.

#### خودخواهی مهار نشده

آنان که کمی هشیار تر و انسانی تر می اندیشند به این نام هم قناعت نکرده قرن انسانی را قرن بیگانگی انسان از خویشتن اصطلاح کرده اند آنها امور متعددی را به عنوان منشا ورشکستگی دنیای امروز مطرح میکنند از قبیل: ۱. عدم عدالت در تولید و توزیع اقتصادی. ۲. عدم پیگیری اخلاص متفکران جهان بین که می بایست برای آبیاری کردن نهال مکتب انسانی که با دست خودشان کاشته بودند به طور مستمر و جدی دست به کار شوند و به ساختن و پرداختن جملات زیبا درباره اصول انسانی دور از دسترس انسان ها قناعت نوزند، هم در آن حال که اصول تعیین انسانی را پی ریزی میکنند دست به کار جلوگیری و ریشه کن ساختن خارهای زهر آگین باشند که به وسیله متفکر نماهای حرفه ای یا غرض ورز در سر این راه مقدس کاشته می شود. ۳. بدان جهت که به وجود آمدن مکتب انسانی و بقای آن احتیاج به بقای مرز میان انسان و طبیعت و ماشین نا آگاه داشت و چون انسان قدرت نگاه داری این مرز را دارا نبود، لذا در حقیقت موضوعی به نام انسان تعیین یافته نبود، تا مکتبی به نام او قابل اندیشه و عمل بوده باشد. ۴. خودخواهی مهار نشده.

دوزخ سزاوار کسانی است که در این دنیا خود را از حیات معقول محروم ساختند و با غوطه ور شدن در شهوات و هوا و هوس ها و خودپرستی ها لغزش های سقوط را پیش گرفته و خود را از بارگاه خداوندی مهجور ساخته اند و اما بیان و اظهار آن محتویات (شایسته

قیود و علایق زنجیری ۳. برکنار ماندن فیلسوفان شایسته ۴. ضعف شخصیت ۵. نبودن معرفت و آگاهی ۶. خودخواهی مهار نشده ۷. مبتلا شدن به انواع شرک ۸. گمراهی و ضلالت ۹. توجه به ظاهر و صورت که به عنوان برجسته ترین موانع دستیابی به اخلاص از دیدگاه علامه جعفری مطرح شد.

## References

### The Holy Quran

1. Abi al-Fazl, Jamal al-Din (711 AH). *Lasan al-Arab*, Vol. 3, Beirut, Dar Sader, Dar Beirut
2. Esfahani, Raghav (1412 AH). *Vocabulary of Quranic Words*, Beirut, Dar al-Shamiya
3. Jafari, Mohammad Taqi (1360). *Translation and Tafsir of Nahj al-Balagha*, Vol. 1-27. Tehran, Farhang Islamic Publishing House.
4. Jafari, Mohammad Taqi (1399). *Four poets*, Allameh Jafari Institute for Editing and Publishing
5. Jafari, Mohammad Taqi (1390). *In the presence of Hakim*, Institute for editing and publishing the works of Allameh Jafari
6. Jafari, Mohammad Taqi (1392). *Struggling with thoughts*, Institute for editing and publishing the works of Allameh Jafari.
7. Jafari, Mohammad Taqi (1385). *Global Human Rights*, Allameh Jafari Institute for Compilation and Publishing
8. Jafari, Mohammad Taqi (1391). *Islamic Mysticism*, Allameh Jafari Institute for Compilation and Publishing

برای آنها خواب آور است که اگر از کسی بشنوند یا با آن روبه رو شوند حالتی شبیه به گیجی در آنها بوجود می‌آید و متأسفانه اکثریت وحشت انگیز مردم از این گروه هستند که از حیات جز خوشی‌ها و رفاه و کامروی در آن، چیزی نمی‌فهمند و شگفت آور از همه این است که سردمداران و گردانندگان جوامع هم در جست و خیز و تاخت و تاز های قدرت پرستانه خود، روی همین اکثریت تکیه میکنند (۸).

عمر خود را بیهوده تلف نکنید و به اصطلاح به این در و آن در نزدیک، درباره تکاپو ها و تلاش ها هماهنگ با دیگر خصلت های ضروری انسانی انجام میگیرید، یا فقط نوعی فعالیت های بی مغز و گسیخته از دیگر خصلت های ضروری انسانی است، آری ممکن است انسان هر لحظه از عمرش را در کار و کوشش و بدون کمترین آرامش بگذراند، و حتی در جاذبه کمال ببیند که اخلاص نامیده میشود (اخلاص به معنای عمومی که در گذشته مشروحا مطرح شده است) ولی این کار و کوشش ها و اخلاص مادامی که دیگر ابعاد سازنده انسانی را در مسیر ارزشی قرار ندهد، نتیجه ای نخواهد داد.

توجه به ظاهر و صورت

مهمترین و اساسی ترین کاری که فتنه گران برای گسترش و تعمیق کار خود انجام میدهند چند چیز است ۱. استخدام قیافه هایی که در جامعه به خوبی و پاکیزگی و اخلاص شناخته شده باشند، مانند بعضی از افراد خوارج نهروان که با پیشانی پینه بسته و لبهای ذاکر و چشم های فرو رفته از شب بیداری ها و قرآن به بقل وسیله ای برای بروز فتنه تباہ کننده خوارج گشتند. ۲. استخدام بهترین شعار ها برای مردم آن جامعه ۳. اگر فتنه گران مردم ژرف نگر و مطلع بوده باشند، تا آنجا که میتوانند دم از اصول عالیله انسانی و ارزش های او میزنند. ۴. موقعیت گذشته جامعه و اصول حقوقی و سیاسی و اجتماعی و علمی و هنری و جهان بینی حاکم در آن را چنان بی امان و مطلق می‌کوبند و چنان برآن کوبیده قیافه حق به جانب از خود نشان میدهند که ساده لوحان را وادار میکنند که حتی در باره بدیهی ترین اصول و قوانین طبیعی و قراردادی دوران گذشته به شک بیفتند. (جلد ۱۶ ص ۵۳۶۵)

### نتیجه گیری

با توجه به موارد یاد شده نسبت به پیامدها و آثار مثبتی که اخلاص میتواند در زندگی انسان داشته باشد از اهمیت و جایگاه والایی که این فضیلت بزرگ در زندگی و فعالیت های انسان میتواند داشته باشد متذکر شدیم از جمله پیامدهای مهمی که در آثار علامه جعفری به آنها بیشتر پرداخته شده ۱. اخلاص سازنده ترین و نیرومند ترین عامل مالکیت بر خود ۲. تنظیم کننده زندگی پر اضطراب و موجب آرامش خاطر ۳. محرک در مسیر هدف اعلا ۴. موجب تمرکز قوای روانی و مغزی ۵. قرار گرفتن در جاذبه جمال و جلال ربوبی ۶. عامل تلاش و کوشش و عامل پیروزی ۷. ترک امیال نفسانی و آغاز توفیقات الهی همچنین پیامدهای اخلاص در ارتباط با تعلیم و تربیت از دیدگاه علامه مورد بررسی قرار گرفت. در قسمت دیگر پژوهش موانع دستیابی به این فضیلت ارزشمند مورد واکاوی قرار گرفت که شامل: ۱. تعلق به غیر خدا ۲.